

نویسنده: پیپ ایسکوبار «Pepe Escobar».

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2024-01-25».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

چگونه «اصابیه» یمن در حال تغییر ژیوپولیتیک است

How Yemen's 'asabiyya' is reshaping geopolitics



عکاسی کریدل

در این خلدون: **اصا بیه یعنی چه؟**
مقدمه: فلسفه تاریخ ابن خلدون با مفهوم مرکزی او از صابیه یا «انسجام اجتماعی». این انسجامی است که خود به خود در قبایل و دیگر گروه‌های خویشاوندی کوچک پدید می‌آید، اما می‌تواند با یک ایدئولوژی مذهبی تشدید و گسترش یابد، که نیروی محرکه‌ای را فراهم می‌کند که گروه‌های حاکم را به قدرت می‌برد..... **تفصیل توسط این قلم**

نیروهای مقاومت انصارالله یمن از همان ابتدا به صراحت اعلام کردند که محاصره در باب المندب و جنوب دریای سرخ را فقط به مقصد علیه کشتی‌های کشتی‌رانی متعلق به اسرائیل ایجاد کردند. هدف واحد آنها که باقی می‌ماند و یا که مطمح نظر است همانا متوقف کردن نسل‌کشی غزه توسط روان‌پریشی کتاب مقدس اسرائیل بوده است.

در پاسخ به یک فراخوان اخلاقی مبنی بر پایان دادن به نسل‌کشی انسانی، ایالات متحده، ارباب جنگ جهانی ترور (مرجع من)، حوثی‌های یمن را به طور قابل پیش‌بینی مجدداً به عنوان یک "سازمان تروریستی" معرفی کردند، بمباران زنجیره‌ای زیرزمینی را آغاز کردند. تأسیسات نظامی انصارالله (با فرض اینکه اطلاعات ایالات متحده بدانند کجا هستند) و یک ائتلاف کوچک از مشتاقان را که شامل بریتانیا، کانادا، استرالیا، هلند و بحرین می‌شود، تشکیل داد.

پارلمان یمن بدون از دست دادن وقت، دولت‌های آمریکا و انگلیس را «شبکه‌های تروریستی جهانی» معرفی کرد.

حالا بیایید درباره استراتژی صحبت کنیم .

با یک حرکت، گروه مقاومت یمن با کنترل عملی بزرگ‌ترین تنگنای ژئواکونومیک کلیدی: یعنی باب المندب، با در نظر داشتن از مزیت استراتژیک آن استفاده کرد. از این رو، آنها می‌توانند مشکلات جدی را در بخش‌های زنجیره یا شبکه تا مین جهانی، تجارت و مالی ایجاد کنند .

و انصارالله این پتانسیل را دارد که در صورت لزوم دو برابر شود. بازرگانان خلیج فارس، بدون سابقه، صحبت‌های مصرانه را تأیید کرده‌اند که یمن ممکن است به تحمل مثلث الاقصی فکر کند - که نام مناسبتی آن پس از عملیات مقاومت فلسطین در 7 اکتبر با هدف از بین بردن لشکر غزه ارتش اسرائیل و گرفتن اسیران به عنوان اهرم فشار در یک منطقه است. توافق جامع مبادله زندانیان

چنین اقدامی نه تنها به معنای مسدود کردن انتخابی مسیر باب المندب و دریای سرخ به کانال سوئز، بلکه تنگه هرمز و قطع تحویل نفت و گاز به اسرائیل از قطر، عربستان سعودی و امارات خواهد بود. بزرگترین تامین‌کنندگان نفت اسرائیل در واقع آذربایجان و قزاقستان هستند .

این یمنی‌ها از هیچ چیز نمی‌ترسند. آیا آنها می‌توانستند مثالی را - در این مورد فقط با دخالت مستقیم ایران - تحمیل کنند که نشان‌دهنده طرح بزرگ ارتش قدس قاسم سلیمانی ترور شده توسط آمریکا بر استروئیدهای کیهانی است. این طرح دارای پتانسیل واقع‌بینانه در نهایت سقوط هر صد ها تریلیون دلاری مشتقات - و در نتیجه، کل سیستم مالی غرب است .

با این حال، حتی با وجود کنترل یمن بر دریای سرخ و کنترل ایران بر تنگه هرمز، مثلث الاقصی تنها یک فرضیه کاری باقی مانده است.

به هژمون خوش آمدید

حوثی‌هابایک استراتژی ساده و روشن کاملاً فهمیدند که هرچه عمیق‌تر آمریکایی‌های رامحروم از استراتژی به باتلاق ژئوپلیتیک غرب آسیا بکشانند، در حالت «جنگ اعلام نشده»، بیشتر می‌توانند درد جدی‌ای را بر مردم وارد کنند. اقتصاد جهانی، که جنوب جهانی آن را به گردن هژمون «ایالات متحده» خواهد انداخت.

امروزه، ترافیک کشتیرانی دریای سرخ در مقایسه با تابستان 2023 به نصف کاهش یافته است. زنجیره‌های تامین متزلزل هستند. کشتی‌های حامل مواد غذایی مجبور به دور زدن آفریقا هستند (و خطر تحویل محموله پس از تاریخ انقضای آن را دارند). به طور قابل پیش‌بینی، تورم در سراسر حوزه‌های کشاورزی و وسیع‌اتحادیه اروپا (به ارزش 70 میلیارد یورو) به سرعت در حال افزایش است.

با این حال، هرگز یک امپراتوری را دست‌کم نگیرید.

غول‌های بیمه مستقر در غرب کاملاً قوانین محاصره محدود انصارالله را درک می‌کردند: برای مثال کشتی‌های روسی و چینی در دریای سرخ عبور آزاد دارند. شرکت‌های بیمه جهانی فقط از پوشش کشتی‌های ایالات متحده، بریتانیا و اسرائیل خودداری کرده‌اند - دقیقاً همانطور که یمنی‌ها قصد داشتند.

بنابراین، ایالات متحده، به طور قابل پیش‌بینی، روایت را به یک دروغ بزرگ و فربه تغییر داد:

انصارالله به کل اقتصاد جهانی حمله می‌کند.

تحریم‌های توربوشارژ واشنگتن (چون مقاومت یمن از تا مین مالی اسلامی استفاده می‌کند، موضوع مهمی نیست). بمباران را افزایش داد و به نام مقدس "آزادی دریانوردی" - که همیشه به صورت انتخابی اعمال می‌شد - شرط خود را بر روی "جامعه بین‌المللی" از جمله رهبران جنوب جهانی گذاشت و التماس رحمت کرد، همانطور که لطفاً خطوط کشتیرانی را باز نگه دارید. هدف از فریبکاری جدید آمریکایی این است که جنوب جهانی را وادار کند تا حمایت خود از استراتژی انصارالله را کنار بگذارد.

به این تدبیر حیاتی ایالات متحده توجه کنید: زیرا از این پس، در یک پیچ انحرافی جدید در عملیات حفاظت از نسل‌کشی، این واشنگتن است که دریای سرخ را برای کل جهان محاصره خواهد کرد. حواس‌تان باشد که خود واشنگتن نیز در امان خواهد ماند:

کشتیرانی ایالات متحده به مسیرهای تجاری اقیانوس آرام بستگی دارد، نه مسیرهای غرب آسیا. این درد را بر مشتریان آسیایی و به ویژه اقتصاد اروپا تشدید می‌کند - که قبلاً ضربه‌های سنگین تحریم‌های انرژی روسیه مرتبط با اوکراین را خورده است.

هما‌نطور که **مایکل هادسون** آن را تفسیر کرده است، این احتمال قوی وجود دارد که نئوکان‌ها که مسئول سیاست خارجی ایالات متحده هستند، واقعاً بخواهند یمن و ایران مثلث الاقصی را اجرا کنند: «این خریداران اصلی انرژی در آسیا خواهند بود. **چین** و سایر کشورهای آسیایی که قرار است آسیب ببینند.

و این (...) به ایالات متحده قدرت بیشتری برای کنترل عرضه نفت جهان به عنوان یک ابزار چانه زنی در تلاش برای مذاکره مجدد با این نظم جدید بین‌المللی می‌دهد.» این، در واقع، شیوه کلاسیک امپراتوری آشوب است.

توجه به "فراخوانی مردم ما در غزه"

هیچ مدرک محکمی وجود ندارد که پنتاگون کوچکترین سرنخی در مورد آنچه **تاماهوک هایش** در یمن هدف قرار می‌دهند، داشته باشد. حتی چند صد موشک هم چیزی را تغییر نخواهد داد. انصارالله که پیش از این هشت سال قدرت آتش بی‌وقفه آمریکا، بریتانیا، عربستان و امارات را تحمل کرده است - و اساساً پیروز شده است - امروز به خاطر چند حمله موشکی تسلیم نخواهد شد.

حتی "مقامات بی‌نام" ضرب‌المثلی به نیویورک تایمز اطلاع دادند که "محل اهداف حوثی‌ها دشوارتر از حد انتظار بوده است"، اساساً به دلیل اطلاعات ضعیف ایالات متحده در مورد "دفاع هوایی، مراکز فرماندهی، انبارهای مهمات، و انبار پهبادهای و موشک‌ها" یمن. امکانات تولید."

گوش دادن به این که چگونه عبدالعزیز بن صالح حبطور، نخست‌وزیر یمن، تصمیم انصارالله را برای محاصره اسرائیل «بر اساس جنبه‌های انسانی، مذهبی و اخلاقی» توصیف می‌کند، کاملاً روشن‌گر است. او به‌طور اساسی به "مردم ما در غزه" اشاره می‌کند. و به ما یادآوری می‌کند که دیدگاه کلی «از دیدگاه محور مقاومت ناشی می‌شود». این مرجعی است که تماشاگران باهوش آن را به عنوان میراث همیشگی سردار سلیمانی می‌شناسند.

نخست‌وزیر یمن با حس تاریخی دقیق - از ایجاد اسرائیل تا بحران سوئز و جنگ ویتنام - به یاد می‌آورد که چگونه «اسکندر کبیر به سواحل عدن و جزیره سقطری رسید اما شکست خورد (...) مهاجمان سعی کردند پایتخت را اشغال کنند. از ایالت تاریخی شبه و شکست خورده است (...) چند کشور در طول تاریخ برای اشغال سواحل غربی یمن تلاش کرده‌اند و شکست خورده‌اند؟ از جمله بریتانیا.»

برای غرب و حتی اکثریت جهانی کاملاً غیرممکن است که ذهنیت یمن را بدون یادگیری چند واقعیت از فرشته تاریخ درک کنند.

پس بیا بید به استاد تاریخ جهانی قرن چهاردهم، **ابن خلدون** - نویسنده مقدمه برگردیم.

ابن خلدون رمز انصارالله را می شکند

خانواده ابن خلدون معاصر ظهور امپراتوری عرب بودند و در کنار اولین سپاهیان اسلام در قرن هفتم در حال حرکت بودند، از زیبایی‌های سخت دره‌های حصرموتی در جنوب یمن کنونی تا فرات.

ابن خلدون، به طور اساسی، پیشرو **کانت** بود که بینش درخشانی را ارائه داد که «جغرافیا در اساس تاریخ نهفته است». و او استاد فلسفه **اندلس** قرن دوازدهم، آروس - و همچنین سایر نویسندگانی که در معرض آثار افلاطون قرار گرفتند را خواند و فهمید که چگونه افلاطون به قدرت اخلاقی "نخستین مردم" در تیمائوس در سال 360 قبل از میلاد اشاره می کند.

بلی، این به «قدرت اخلاقی» خلاصه می شود - برای غرب، یک صدایی صرف. برای شرق، یک فلسفه اساسی. ابن خلدون درک کرد که چگونه تمدن آغاز شد و دائماً توسط مردمی با خوبی و انرژی طبیعی تجدید شد. مردمی که جهان طبیعی را درک کرده و به آن احترام می گذارند، سبک زندگی می کنند، با خون متحد شده اند یا با یک ایده انقلابی مشترک یا انگیزه مذهبی گرد هم آمده اند.

ابن خلدون، اصابیه را نیرویی است که مردم را به هم پیوند می دهد. مانند بسیاری از کلمات در عربی، *asabiyya* طیفی از معانی متنوع و ضعیف را به نمایش می گذارد. مسلمانمربطترین آنها روحیه سپاه، روحیه تیمی و همبستگی قبیله‌ای است - درست همانطور که انصارالله نشان می دهد

همان طور که ابن خلدون نشان می دهد، وقتی قدرت اصابیه به طور کامل مهار شود و به فراتر از قبیله برسد، از مجموع اجزای آن قدرتمندتر می شود و می تواند کاتالیزوری برای تغییر شکل تاریخ باشد. ساختن یا شکستن امپراتوری ها؛ تشویق تمدن ها؛ یا آنها را مجبور به فروپاشی کنید.

ما قطعاً در لحظه ای اصابیه زندگی می کنیم که به واسطه قدرت اخلاقی مقاومت یمن به وجود آمده است.

جامد مانند سنگ

انصارالله به طور فطری خطر صهیونیسم آخرت شناختی را درک می کرد - که اتفاقاً منعکس کننده جنگ های صلیبی مسیحی یک هزاره پیش است . و آنها عملاً تنها کسانی هستند که از نظر عملی سعی در متوقف کردن آن دارند.

اکنون، به عنوان یک امتیاز اضافی، آنها یک بار دیگر هژمون پلتوکراتیک را به عنوان بمب افکن یمن، فقیرترین دولت- ملت عرب، که حد اقل نیمی از جمعیت آن در «ناامن غذایی» باقی می ماند، افشا می کنند.

اما انصارالله مانند مجاهدین پشتون که نا تو را در افغانستان تحقیر کردند، بدون سلاح سنگین نیست.

موشک های کروز ضد کشتی آنها شامل صیاد و قدس Z-O (برد تا 800 کیلومتر) و المندب 2 (برد تا 300 کیلومتر) است.

موشک های بالستیک ضد کشتی آنها شامل تانکیل (برد تا 500 کیلومتر) است. آصف (برد تا 450 کیلومتر)؛ والبحر الاحمر (برد تا 200 کیلومتر). که بخش جنوبی دریای سرخ و خلیج عدن را پوشش میدهد، اما به عنوان مثال، جزایر مجمع الجزایر سوکوترا را پوشش نمی دهد.

حوثی های یمن که ستون فقرات مقاومت انصارالله را تشکیل می دهند، تقریباً یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می دهند. حفاظت از مذهب زیدی (نه شیعه و نه سنی) آنها؛ مبارزه برای خودمختاری استان صعده؛ و تلاش برای احیای امامت زیدی که قبل از انقلاب 1962 پا برجا بود

در حال حاضر، آنها نشان خود را در *The Big Picture* می گذارند. جای تعجب نیست که انصارالله به شدت با اعراب دست نشانده هژمون - به ویژه آنهایی که در دولت **ترامپ** توافقی برای عادی سازی روابط با اسرائیل امضا کردند، می جنگد.

جنگ عربستان و امارات علیه یمن، با هژمون که «از پشت سر رهبری می کند»، باتلاقی بود که برای هفت سال حداقل 6 میلیارد دلار در ماه برای ریاض هزینه داشت. این با یک آتش بس متزلزل در سال 2022 در یک پیروزی عملی انصارالله به پایان رسید. لازم به ذکر است که یک توافقنا مه صلح امضا شده، علیرغم تلاش های عربستان برای امضای یک توافق، توسط ایالات متحده غیرممکن شده است.

اکنون انصارالله ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک را نه تنها با چند موشک و پهپاد، بلکه با اقیانوس های حيله گری و زیرکی استراتژیک زیورومی کند. برای استناد به حکمت

چینی، صخره‌ای را تصویر کنید که مسیر یک رودخانه را تغییر می‌دهد و سپس مسیر یک رودخانه عظیم را تغییر می‌دهد

Epigones of Diogenes همیشه می‌تواند به شوخی بگوید که مشارکت استراتژیک روسیه، چین و ایران ممکن است با سنگ‌های مناسب خود در این مسیر به نظم عادلانه‌تری کمک کرده باشد. این زیبایی آن است: ما ممکن است نتوانیم این سنگ‌ها را ببینیم، فقط اثراتی که ایجاد می‌کنند. با این حال، آنچه ما می‌بینیم، مقاومت یمن است که مانند سنگ استوار است.

رکورد نشان می‌دهد که هژمون یک بار دیگر به حالت خلبان خودکار باز می‌گردد: بمب، بمب، بمب. و در این مورد خاص، بمباران به معنای تغییر مسیر روایت از یک نسل‌کشی است که توسط اسرائیل، ناو هواپیمابر امپراتوری در غرب آسیا، در زمان واقعی انجام شده است

با این حال، انصارالله همیشه می‌تواند با پابندی محکم به روایت خود، فشار را افزایش دهد و با رانده شدن به قدرت اصابیه، افغانستان دومی را به هژمون تحویل دهد که در مقایسه با آن عراق و سوریه مانند تعطیلات آخر هفته در دیزنی‌لند به نظر می‌رسند.

----- **با تقدیم احترامات «2024-02-01»**

